

Research Article

A Comparative Study of the Effects of Patriotism in the Poems of Khairuddin Zarkoli and Ahmad Shoghi

Fatemeh Ghajari¹, Enayatolah Fatehinejhad^{2*}

Abstract

In this article, we have comparatively studied the manifestations of patriotism in the poems of Khairuddin Zarkoli and Ahmad Shoghi. The research method is library and its type is analytical-descriptive. The results of the research show that although these two poets have always paid special attention to the subject of patriotism in their poems, but the frequency of patriotism-related themes in Zarkoli poems is higher than Shoghi poems. In addition, Shoghi has not reacted to the Palestinian issue. Of course, in addition to these differences, there are many commonalities in the field of attention of the two poets to the subject of patriotism. Zarkali has paid attention to the issue of patriotism throughout his life, but Shoghi was not very sensitive to political issues as long as he was in court, and in the later stages of his life, he increasingly paid attention to the issue of patriotism and related topics. Has shown interest. Zarkali loves his homeland more than Shoghi, and this can be cited and inferred due to the remarkable reflection of the issue of grief of homelessness in Zarkoli's poems. Both poets believe that the only way to save nations is national and regional unity. Of course, Zarkali has paid special attention to the issue of Palestine, but Shoghi has not paid much attention to this issue.

Keywords: Patriotism, Zarkali, Ahmad Shoghi, Anti-Colonial, Nomadism

1. PhD student, Department of Arabic Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2*. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

(Correspondence)

Email: fatehineayat@ymail.com

بررسی تطبیقی جلوه‌های میهن‌دوستی در سروده‌های خیرالدین زرکلی و احمد شوقی

فاطمه قجری^۱، عنایت الله فاتحی نژاد^{۲*}

چکیده

در این مقاله به بررسی تطبیقی جلوه‌های میهن‌دوستی در سروده‌های خیرالدین زرکلی و احمد شوقی پرداخته‌ایم. روش تحقیق، کتابخانه‌ای از نوع، تحلیلی-توصیفی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه این دو شاعر همواره در اشعار خویش به موضوع میهن‌دوستی توجه ویژه نشان داده‌اند، اما بسامد مضامین مرتبط با میهن‌دوستی در اشعار زرکلی بیشتر از اشعار شوقی و این شاعر، به موضوع فلسطین و اکنشی نشان نداده است. البته، اشتراکات زیادی در زمینه‌ی توجه دو شاعر به موضوع میهن‌دوستی وجود دارد. زرکلی در کل دوران زندگی خویش به موضوع میهن‌دوستی توجه نشان داده اما شوقی تا زمانی که در دربار بود، به موضوعات سیاسی چندان حساس نبود و در مراحل بعدی زندگی خویش به طور فزاینده به موضوع میهن‌دوستی و مضامین مرتبط با آن توجه نشان داده است. زرکلی بیش از شوقی به وطن خویش عشق می‌ورزد و این موضوع با توجه به بازتاب چشمگیر موضوع غم غربت در اشعار زرکلی، قابل استناد و استنباط است. هر دو شاعر تنها راه رستگاری ملت‌ها را اتحاد ملی و منطقه‌ای می‌دانند.

واژگان کلیدی: میهن‌دوستی، خیرالدین زرکلی، احمد شوقی، استعمارستیزی، غم غربت

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

fatehienayat@gmail.com

۱. مقدمه

میهن‌پرستی یکی از مضامینی است که همواره در تمامی ادوار شعر فارسی مورد توجه شاعران قرار گرفته است؛ این مضمون ریشه در ذات انسان نیز دارد و وطن‌دوستی احساس مشترک نوع بشر است. این مضمون در شعر شاعران تمامی سرزمین‌ها رایج بوده و از جمله در شعر و ادب عربی نیز همواره مورد توجه شاعران بوده و تقریباً در تمامی دوره‌های شعر عربی کم و بیش در شعر شاعران منعکس شده است. البته علاقه به وطن ریشه در آموزه‌های دینی نیز دارد و در برخی روایات، حبّ وطن نشانه‌ی ایمان قلمداد شده است و همین امر نشان می‌دهد که میهن‌دوستی و میهن‌پرستی علاوه بر غریزی بودن، از لحاظ دینی و مذهبی نیز دارای اهمیت است.

زرکلی به عنوان یک ادیب و شاعر نئوکلاسیک و روزنامه‌نگار جایگاه والایی در ادبیات معاصر عربی دارد. «وی با انتشار روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌هایی همچون «الأصعی»، «لسان العرب» و «القدس» که خود سردبیر آن‌ها بوده، گام‌های بلندی در تحوّل شیوه‌های روزنامه‌نگاری در کشورهای عربی برداشته است. همچنین سبک نگارش وی در آثار ادبی همچون «الوفاء» (داستان)، «مارأیت و ماسمعت» و نیز «ماجدولین و الشاعر» درخور اهمیت بسیار است» و علاوه بر این، با بررسی دیوان شعر وی می‌توان گفت اشعار وی که بیشتر دارای مضامین اجتماعی سیاسی است، گرچه به شیوه‌ی تقلیدی و سنتی سروده شده است اما از ابتکار و نوآوری تهی نیست؛ به ویژه وی از نخستین شاعرانی است که تعبیرات و اصطلاحات جدید و برخی از مظاهر تمدن را در اشعارش بکار برده است.

سرزمین مصر نیز تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است و همواره شاعران این سرزمین نیز اولاً تحت تأثیر وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور خویش و نیز در اثر میل غریزی تعلق خاطر به سرزمین مادری، همواره در شعر خویش به میهن‌دوستی توجه ویژه نشان داده‌اند. یکی از شاعران مصری که مضمون میهن‌دوستی را در شعر خویش مورد توجه قرار داده، احمد شوقی است؛ البته «زندگی احمد شوقی به طور کلی از دو مرحله کاملاً جدا از هم تشکیل شده است. مرحله‌ای از آن که مربوط به قبل از جنگ جهانی اول و قبل از تبعید وی به اسپانیا می‌باشد، با مرحله‌ی بعد از جنگ و بعد از تبعید متفاوت است. زیرا در مرحله‌ی اول تمام هم و غم شاعر جلب رضایت خدیو وقت مصر و تأیید حکومت و سیاست آنها بود و اشعار وطنی و میهنی او در این محدوده‌ی تنگ و از پیش تعیین شده خلاصه می‌شد، اما بعد از جنگ و تبعید، شاعر به مردم نزدیک می‌شود و حفظ منافع مردم و دفاع از حقوق آنها مقدم بر همه چیز می‌شود.»

با توجه به این که هر دو شاعر در زندگی خویش درگیر مسائل سیاسی بوده‌اند، بررسی علاقه و توجه آن‌ها به موضوع میهن‌دوستی می‌تواند نتایج جالب توجهی در پی داشته باشد و به همین دلیل در این مقاله که از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و به روش کتابخانه‌ای نوشته شده است، به بررسی جلوه‌های میهن‌دوستی در سروده‌های خیرالدین زرکلی و احمد شوقی پرداخته‌ایم تا میزان توجه این شاعران ملی‌گرا به میهن و جلوه‌ها و مظاهر آن بر ما آشکار گردد با توجه به این که هر دو شاعر در

زندگی خویش درگیر مسائل سیاسی بوده‌اند، بررسی علاقه و توجه آن‌ها به موضوع میهن‌دوستی می‌تواند نتایج جالب توجهی در پی داشته باشد و به همین دلیل در این مقاله که از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و به روش کتابخانه‌ای نوشته شده است، به بررسی جلوه‌های میهن‌دوستی در سروده‌های خیرالدین زرکلی و احمد شوقی پرداخته‌ایم تا میزان توجه این شاعران ملی‌گرا به میهن و جلوه‌ها و مظاهر آن بر ما آشکار گردد.

۲. پیشینه تحقیق

جستجو در کتابخانه‌ها و همچنین پایگاه‌ها و تارنماهای نمایه‌سازی داده‌های پژوهشی همچون ایرانداک، نورمگز، مگیران، اس آی دی و غیره نشان می‌دهد که تاکنون در زمینه‌ی موضوع این مقاله هیچ تحقیقی اعم از کتاب و پایان‌نامه و مقاله نوشته نشده است و این پژوهش، نخستین گام در این مسیر است. البته در برخی تحقیقات به موضوع میهن‌دوستی احمد شوقی پرداخته شده اما تاکنون در زمینه‌ی تطبیق میهن‌دوستی در اشعار این دو شاعر تحقیقی نوشته نشده است. در اینجا به معرفی چند پژوهش همسو پرداخته می‌شود:

- اسماعیل اسلامی و صفی الله کرد (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی بیداری اسلامی در اشعار اقبال لاهوریو عبدالله» به این نتیجه رسیدند که اندیشه‌های مشابه دو شاعر باعث اهداف مشترک آن‌ها یعنی بیداری اسلامی شده است، و هر کدام به شیوه خاص خود آن را بیان می‌کنند؛ عبدالله البردونی با سرودن اشعاری با مضامین ادبیات پایداری و اقبال لاهوری صراحتاً در اشعار خود آن را به تصویر می‌کشند. این دو شاعر وحدت میان مسلمانان را مهم‌ترین راز و اصل برای پیروزی مسلمانان در برابر استکبار جهانی می‌دانند و از پیروانان خود می‌خواهند که از میهن پرستی افراطی خودداری کنند و تمام سرزمین‌های اسلامی را جزء میهن خود بشمارند.

- رضا موسی‌آبادی و بتول فخراسلام (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی مبانی ناسیونالیسم در شعر احمد شوقی و سیداشرف‌الدین حسینی» به این نتیجه رسیده‌اند که میهن‌دوستی و عشق به وطن از جلوه‌های بارز اندیشه‌ی ناسیونالیستی احمد شوقی و سیداشرف‌الدین حسینی است؛ تا جایی که بازتاب وطن‌دوستی در اشعار ایشان آن چنان گسترده است که به عنصری سبک‌ساز و تعیین‌کننده در سطح محتوایی و زبانی شعر هر دو شاعر تبدیل شده است.

- خلیل پروینی (۱۳۷۳) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با موضوع «وطنی‌ات احمد شوقی» به این نتیجه رسیده است که حمایت از قهرمانان ملی و پیشتازان نهضت ملی‌گرائی و همچنین دعوت به اصلاح اوضاع نابسامان اجتماعی و اقتصادی و دفاع از منافع و حقوق مردم در مقابل استعمارگران و دعوت به اتحاد و همبستگی و توجه به پیشینه‌ی تاریخی و گذشته‌ی درخشان از موضوعات کلی و سرلوحه وطنی‌ات احمد شوقی می‌باشد.

چنان‌که مشاهده می‌شود، در تحقیقات بالا صرفاً به اندیشه‌های ملی‌گرایانه‌ی احمد شوقی پرداخته شده و مقایسه‌ای میان او و زرکلی صورت نگرفته است.

۳. بحث و بررسی

۱.۳. جلوه‌های میهن‌دوستی در اشعار زرکلی

اشعار زرکلی بیشتر شعری ملی- میهنی است. بخش اعظم دیوان او را سروده‌های سیاسی به ویژه وطنیات تشکیل می‌دهد (دیوان، ۲۲، ۳۱، ۳۲۱) که از لحاظ ساختار همه به اشعار دوره‌ی بازگشت شباهت دارد.

الف- سبک منحصر به فرد زرکلی در توصیف وطن

برخی زرکلی را پرچمدار شعر ملی میهنی سوریه دانسته‌اند (صبری ۱۹۸۷،: ۱۵-۱۶؛ جمیل قنبس، ۲۰۱۱: ۸۷). وی به دلیل مطالعه و دلبستگی شدید به آثار شعرای کلاسیک به خصوص شعرای عصر عباسی و تسلط بر آن، اشعاری با همان ساختار و مضمون دارد. از جهات بسیاری اشعاری که زرکلی درباره‌ی وطن سروده به قصاید حافظ ابراهیم و احمد شوقی در وطنیات آن دو شباهت دارد و همانند آن دو در لابلای سروده‌هایش مضامینی نو و متناسب با عصر خود آورده است (زرکلی، ۱۹۸۰: ۳۴-۳۵، ۲۶۶-۲۶۸؛ جمیل قنبس، ۲۰۱۱: ۱۰؛ طلاس، ۱۹۸۵: ۲۴۹-۲۵۶) به عنوان نمونه وی همچون احمد شوقی که در وصف هواپیما سروده‌ای دارد (زرکلی، ۱۹۸۰: ۲۳۳)، در ۱۹۲۰م هواپیماهای جنگنده و تانک‌های ارتش فرانسه را که در جنگ قاسیون تلفات و خسارت‌های فراوان به ارتش سوریه وارد کردند، چنین وصف می‌کند:

الطائراتُ محمّاتٌ حولها و الزاحفاتُ صراعهنّ شدیدُ
و لقد شهدتُ جموعها وثأبهُ لوکانَ يدفعُ بالصدورِ حدیدُ

(دیوان: ۱۹۸۰: ۹۸)

شاعر در این ابیات بدون هیچ‌گونه تفصیل و اطناب، همچون نقاشی چیره دست صحنه جنگ «میسون» را رسم می‌کند. سامی الدهان عقیده دارد که این وصف بدیع در شعر عربی معاصر همچون تابلوی است که به صادقانه‌ترین وجه هواپیماهای دشمن و تانک‌های آنان و مقاومت سربازان سوری را که در مقابل آنها سینه‌های خود را سپر کرده‌اند، ترسیم می‌کند و در این عرصه‌ی ادبی هیچ شاعری از شاعران هم روزگارش به پای وی نمی‌رسد: «استطاع الشاعرُ أن يستحضر صور الزاحفات و الطائرات و هی جدیدة فی شعرنا، جدیدة فی حیاتنا و رسم المعركة كأنه یراها و رسم لوحه ماتزالُ أصدق لوحه فی وصف معركة میسون...و علی کل حال وحدها فی هذا الميدان الأدبی لم تقع علی مثلها لغيره من الشعراء.» (دهان، ۱۹۶۸، ۱۵۵-۱۵۶) علاوه بر این در شعر تقلیدگرای زرکلی موضوعات اجتماعی چون فقر، رکود فرهنگی و آزادی زن نیز موازی با مسائل سیاسی از جایگاه خاصی برخوردار است. (جمیل قنبس، ۲۰۱۱: ۷۰-۷۵).

ب- تأکید بر اتحاد کشورهای عربی

چنان‌که ذکر شد، زرکلی در بسیاری از اشعار خود با اشاره به ظلم حاکمان و سیاست‌های استعماری فرانسه و انگلیس مردم را دعوت به مبارزه و ایستادگی می‌کرد و آنان را برمی‌انگیخت تا در راه رسیدن به

اهداف خود نخست باید همدل و همزبان باشند و در راه وحدت و به تعبیر خود وی در راه «الوحدۃ العربیة الکبری» گام بردارند. از این رو مخاطب این گونه اشعار وی همه‌ی ملت‌های مسلمان از جمله مردم مصر، سوریه، لبنان، فلسطین، عراق و کشورهای اسلامی شمال آفریقا همچون تونس بودند که همه از ظلم و ستم استعمارگران و حاکمان عثمانی به تنگ آمده بودند.

زرکلی در سروده‌های ملی میهنی خود گاه به اشعار شاعرانی چون احمد شوقی و حافظ ابراهیم نزدیک می‌شود با این تفاوت که وقتی سخن از آزادی ملت‌ها و مبارزه با استعمار و ظلم‌ستیزی به میان می‌آید، وی نه تنها مردم سوریه بلکه همه ملت‌های ستم‌دیده در سراسر کشورهای عربی را مورد خطاب قرار می‌دهد و آنان را به آزادی‌خواهی و مبارزه با حاکمان ظالم و مستبد دعوت می‌کند و از مشکلات و نابسامانی‌های آن کشورها از جمله فقر اجتماعی و فرهنگی و عدم برخورداری ملت‌ها از حقوق طبیعی خود یاد می‌کند (دیوان اشعار، ۳۲۲؛ صبری، ۱۹۸۷: ۲۲؛ عطار، ۱۹۸۹: ۲۶۲).

زرکلی همواره کل سرزمین‌های عربی را وطن خود می‌داند و با مردمان این سرزمین‌ها احساس همدردی می‌کند؛ (نقل از دهان، ۱۹۶۸: ۱۴۹)

زرکلی به وحدت سرزمین‌های عربی ایمان داشت و اعتقاد داشت که همه کشورهای عربی وطن و سرزمین او هستند و از همین رو جای تعجب نیست که مدتی از عمر خود را در سوریه و فلسطین و لبنان و اردن و عربستان سعودی و مصر و عراق گذراند و در آن کشورها به فعالیت‌های مختلف سیاسی و تدریس و روزنامه‌نگاری پرداخت.

ج- جایگاه فلسطین در اندیشه‌ی زرکلی

یکی از موضوعاتی که در شعر زرکلی جایگاهی خاص دارد موضوع فلسطین است. در ۱۹۶۷ میلادی زمانی که عربها از اسرائیل شکست خوردند، زرکلی بسیار اندوهگین شد و قصیده‌ای سراسر غم و اندوه در این باره با نام «الفدائی» سرود با این مطلع:

یا عین أبکاک الزمان وعاد یعتذر الزمان

(دیوان، ۱۸۷).

زرکلی از تفرقه و نفاق در میان اعراب سخت رنج می‌برد و چون می‌دید کشورهای عربی و به خصوص حاکمان عرب به جان هم افتاده‌اند و در مقابل دردها و رنج‌های مشترک به ویژه قضیه‌ی فلسطین سکوت پیشه کرده‌اند، بسیار اندوهگین می‌شد. وی در این باره می‌گوید:

و لم أرَ قَبْلَ العَرَبِ فی النَّاسِ أُمَّةً سَوَاءً عَلَیْهَا خَسْرُهَا وَ رِبَاحُهَا
تَرَجَى فَلَاحاً وَ الشَّقَاقُ حَلِيفُهَا وَ كَيْفَ يَرَجَى مِنَ الشَّقَاقِ فَلَاحُهَا

(زرکلی، ۱۹۸۰: ۳۵۱)

«من جز عرب‌ها در میان مردم امتی را ندیده‌ام که سود زیان برایشان یکسان باشد. آرزوی پیروزی و رستگاری دارند، در حالیکه با تفرقه و نفاق هم پیمانند؛ پس چگونه از چند دستگی و عدم اتحاد می‌توان به پیروزی و رستگاری رسید.»

د- دعوت به مبارزه با ظلم و استعمار

زرکلی از آغاز نوجوانی خون وطن‌گرایی در رگ‌هایش جاری بود در حالیکه در پیرامون خود شاهد مظاهر ظلم و ستم و درد و رنج و فقر و جهل مردمانش بود. وی اشعاری در باره دوستی وطن در همان آغاز جوانی سروده بود که به متاسفانه چنانکه خود می‌گوید، همه آنها در آتش سوخت (زرکلی، ۱۹۹۰: ۲۶۷)، با این حال ابیاتی در این باره خطاب به فرزندان وطنش گفته است که برخی از آن‌ها به دست ما رسیده است:

م تأبی لها العلاءن تطیقا	إن فی الشام أمة لا تطیق الضی
وسقوها من الخداع حقیقا	أوسعوها تعلة ووعوداً
إذا كان للحیاء طریقا	أذرونا بالموت ما أعذب الموت

(همان: ۶۸)

«در شام امتی هستند که طاقت ظلم و ستم را ندارند. ظلم و ستمی که عرش از تحمل آن سرباز می‌زند. در حق آنان مصیبت و تهدید را به نهایت رسانده‌اند و جام نیرنگ و فریب را به ایشان خورانده‌اند. ما را از مرگ می‌ترسانند و برحذر می‌دهند و مرگ چه گوارا و دلنشین است اگر راهی برای زندگی باشد. عهد و پیمانی که زرکلی بدان اشاره دارد، وعده‌های فرانسویان است که به دروغ و نیرنگ چنین وانمود می‌کردند که با اینکه ما در سرزمین شام دارای حقوقی هستیم که باید از آن دفاع کنیم، حق مردم سوریه را پایمال نخواهیم کرد. وی در ابیاتی دیگر مردم را دعوت به مقابله با نقشه‌های استعمارگران می‌کند و به شیوه‌ی شاعران کلاسیک و گاه با همان الفاظ و ترکیب‌ها، اما با مضامینی جدید از آنان می‌خواهد تا شمشیرهایشان را صیقل دهند و اسب‌هایشان را زین کنند و انتقام خون کسانی را که در سوریه و شام و فلسطین به دست متجاوزان کشته شده‌اند، بگیرند:

یا نابضاً فیهِ عرق من بنی مضر	أسرج جیادک ولتطلق لها اللجم
واشحد غرارک لا یعلق بها صدأ	فإن یجر حکم فالصارم الحکم
کفکف دموع فلسطین و جارتها	بیروت واکف یداً فی بسطها النقم

(نقل از دهان، ۱۹۶۸: ۱۵۳-۱۵۴)

«ای آنکه خون قبیله مضر در رگهای تو جاری‌ست، اسب خود را زین کن و افسارش را رها کن. شمشیرت را تیز کن و از زنگار بزدای که اینک داوری بر عهده شمشیر است. اشک‌های فلسطین را پاک کن و نیز اشک‌های همسایه‌اش بیروت را و دست آنانکه مصیبت و اندوه را فراهم آورده‌اند، قطع کن.»

شاعر در این ابیات از لحاظ ساختار و مضمون کاملاً به راه شاعران کهن رفته و تصویری از شعر حماسی کلاسیک را به نمایش می‌گذارد. وی با عبارتی همچون «أسرج جیادک» [اسب‌هایت را زین کن] و «واشخذ غرارک» [شمشیرت را تیز کن] خواننده را به میادین جنگ‌های کلاسیک عرب‌ها می‌کشاند که اسب‌های تیزرو و شمشیرهای آخته و برآن سرنوشت جنگ را تعیین می‌کنند. از سوی دیگر برای برانگیختن احساسات و حمیت مردم، و ایجاد وحدت و همدلی با عبارت «یا نابضاً فیه عرق من بنی مضر» [ای آنکه خون بنی مضر در رگ‌های تو جاری است] خویشاوندی خونی و قبیله‌ای را درمطلع قصیده خود یادآور می‌شود تا غرور اعراب را در دفاع و حمایت از یکدیگر در سایه‌ی عربیت برانگیزد. این ابیات که به سبک متنی و بحتری سروده شده‌اند، از نمونه‌های بارز اشعار کلاسیک زرکلی به شمار می‌رود.

ه- غم غربت و رنج دوری از میهن

زرکلی پس از آنکه از سوی فرانسویان به طور غیابی به اعدام محکوم شد، به ناچار زادگاهش را ترک کرد و غم غربت و دوری از وطن را با تمام وجود احساس کرد. وی مدتها در بیت المقدس، عربستان سعودی و عمان به دور از وطن زندگی کرد. اما همیشه دل در گرو وطنش سوریه داشت که زیر سلطه استعمار فرانسه دوران نابسامانی را می‌گذراند.

بیشتر اشعاری که زرکلی در وصف وطن سروده مربوط به دوره‌ای است که زادگاه خود سوریه را ترک کرد و مدتی را در مصر، فلسطین و عمان بسر برد. وی در ۱۹۲۴م زمانی که به مصر کوچید، در فراق وطن این قصیده را که از ویژگی‌های شعر کلاسیک برخوردار است، سرود که مورد استقبال شاعران، نویسندگان و مجامع علمی قرار گرفت:

العینُ بعدَ فراقها الوطنَا	لاساکناً الفت و لا سکنَا
ریانَةً بالدمعِ ألقها	ألا تحسّ کری و لا وسنَا
ما کنتُ أحسبنی مفارقهم	حتى تفارق روحی البدنَا
یا موطناً عبثَ الزمان به	من ذا الذی أغری بکَ الزمنَا
یا طائراً غتی علی غصنِ	و النیلِ یسقی ذلک الغصنَا
لی ذکریات فی ربوعهم	هنا الحیاءُ تألقاً و سنی
إن الغریبَ معذبٌ أبداً	إن حلّ لم ینعم و إن ضعنَا
لو مثلوا لی موطنی وثناً	لهممتُ أعبدُ ذلک الوثنَا

(زرکلی، دیوان، ۱۷۸)

ترجمه:

«دیدگان (من) پس از جدایی از وطن با هیچ چیز و هیچ کس مأنوس نشد. همواره چشمانم اشکبار است و نگرانم می‌سازد زیرا نه درخششی را حس می‌کند و خواب را. هیچ گمان نمی‌بردم که از هموطنانم جدا شوم تا آن زمان که روح از بدنم جدا گردد.» [ای وطن ای زادگاهی که زمانه تو را بازیچه‌ی خویش

قرار داد این چه بود که روزگار بر سر تو آورد؟ ای پرنده‌ای که بر هر شاخه‌ای آواز می‌خوانی، آن شاخه از رود نیل سیراب شده است. از [همه] تپه‌های وطن خاطراتی دارم که درخشش و تابندگی آن، زندگی است. انسان غریب و دورمانده از وطن همیشه در عذاب است چه در جایی منزل گزیند یا از جایی کوچ کند. اگر از وطن برایم بتی بتراشند، بی شک من پرستنده آن بت خواهم بود.

زرکلی گاه در هیئت شاعری رومانتیک و خیال‌گرا ظاهر می‌شود که عنصر خیال را بر واقعیت ترجیح می‌دهد و آمال و آرزوهای خود را در عالم رؤیا و خیال و در دامن طبیعت جستجو می‌کند و با وصف مظاهر طبیعت دردها و رنج‌های را به تصویر می‌کشد.

یکی از قصایدی که ویژگی‌های شعر رومانتیک را دارد در وصف آبشار دمشق است که زرکلی آن را در ۱۹۱۵م سروده است و در لابلای آن شرایط روحی و جسمی خود را با شرایط آن آبشار مقایسه می‌کند. ویژگی‌های این آبشار که بی شباهت به روحیه و شخصیت زرکلی نیست، چنین است: «از بلندپها سرچشمه می‌گیرد و به سوی دشت‌ها سرازیر می‌شود». «مُحَدَّرًا مِنْ أَشْمٍ عَالٍ نَحْوَ البَسِيطَةِ» «می‌خروشد چنان که گویی در سینه‌اش آتش برافروخته‌اند»: «يَغْلِي كَأَنَّ النَّارَ بَيْنَ ضُلُوعِهِ». این آبشار ساکن و راکد نیست، متلاطم و خروشان است و باخروشدگی به سوی دشت‌ها و جنگل‌ها پیش می‌تازد: «يَتَوَرُّ مَنْدَفِعًا إِلَى الْأَدْعَالِ»، «این آبشار گیسوانش را که به سپیدی گراییده، بر روی شن‌های دشت‌ها می‌گستراند»: «شَابَتْ غَدَائِرُهُ فَأَرْسَلَهَا عَلِيَّ وَجَهَ الرَّمَالِ»:

وَيَرُوقِنِي الشَّلَالُ مَنَحْدَرًا هَوِي	نحو البسيطة من أشم عال
يَغْلِي كَأَنَّ النَّارَ بَيْنَ ضُلُوعِهِ	وجه الرمال و هم بالأعوال
شَابَتْ غَدَائِرُهُ فَأَرْسَلَهَا عَلِيَّ	إني على حرق الأنين جليد
وَلَقَدْ دَنَوْتُ مَقْبَلًا قَطْرَاتِهِ	فَرَمَيْتُ مِنْ قَطْرَاتِهِ نَبَالًا

(زرکلی، ۱۹۶۸، ۲۱۳؛ دهان، ۱۹۶۸، ۱۶۲)

زرکلی در این ابیات با تصویر آفرینی در وصف خروشدگی آبشار، و تشبیه قطرات کف آلود آن به موهای سپید، و بوسه زدن بر قطراتی که در هوا پراکنده می‌شوند، توانمندی، خلاقیت، و هنر شاعری خود را در ابداع و ابتکار به نمایش می‌گذارد. و نشان می‌دهد که در وصف طبیعت و مظاهر آن دست کمی از شاعران رمانتیک ندارد.

و- ارزش سیاسی و تاریخی میهن‌سروده‌های زرکلی

زرکلی بسیاری از اشعار وطنی خود را زمانی سروده است که با برخی حاکمان عرب از نزدیک آشنا بوده است به خصوص زمانی که در رکاب ملک حسین به اردن رفت، با سیاستمداران عرب بیشتر آشنا شد. از این رو این اشعار گاه از لحاظ تاریخی نیز حائز اهمیت است و علاوه بر جنبه‌های ادبی از ارزش سیاسی و تاریخی نیز برخوردار است. بنابراین از اشعار زرکلی می‌توان به عنوان یک سند تاریخی و یا سیاسی بهره برد و از این لحاظ با شاعران کهن همچون اخطل، جریر و متنبی قابل مقایسه‌اند که از لابلای اشعار آنان می‌توان به گوشه‌هایی از وقایع سیاسی و تاریخی پی برد.

از دیگر اشعاری که زرکلی درباره‌ی زادگاهش سروده، قصیده معروفی است به نام «سوریه الشهیده». این قصیده را شاعر در ۱۹۲۵م در مراسمی قرائت کرد که برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی در قاهره تشکیل شده بود و در آن گروهی از شاعران بزرگ مصر حضور داشتند. احمد شوقی نیز در آن مراسم قصیده معروف «سلام من صبا بردی أرق» را ارائه کرد؛ اما قصیده زرکلی بیشتر مورد استقبال قرار گرفت (کیالی، بی تا: ۱۳۴؛ دهان، ۱۹۶۸: ۱۶۱-۱۶۲):

<p>و شعارُ «وادی النیرین» شعاری لدمی و إن سفارها لشفاری و دمی هناك علی ثراها جاری یرمی و لیس بخائض لغمار یرمی و ما للشیخ من أوزار حرم الرقاد بها علی الأشفار فی مصر تطفیء غلّة الأمصار</p>	<p>الأهلُ أهلی و الدیار و دیاری إن الدم المهرق فی جنباتها دمعی لما منیت به جار هنا الطفلُ فی ید أمه غرض الأذی و الشیخ متکأ علی عکازه صبرت دمشق علی نکال لیلایا غضبت لسوریه الشهیده أمّة</p>
--	---

(زرکلی، ۱۹۸۰: ۲۹۶)

زرکلی در این ابیات از عهده تصویرگری و وصف آنچه استعمارگران بر سر دمشق آورده‌اند، به خوبی برآمده است، آتش جنگ که دمشق را در بر گرفته، کودکان، زنان و مردانی که مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند و هیچ‌کدام دخالتی در جنگ نداشته‌اند، مردمانی که در زیر رگبار گلوله‌ها نومیدانه مرگ را انتظار می‌کشند.

این ابیات یادآور اشعار شاعران دوره عباسی در وصف جنگها است مانند قصاید ابوتمام و بحتری (دهان، ۱۶۲) اگر برخی الفاظ و کلمات جدید را از این اشعار حذف کنیم، با شعر کلاسیک تفاوتی نخواهد داشت. سامی دهان در این باره می‌گوید: «لولا أن شعرة تطرق إلى مستحدثات العمران والحضارة وتعبير الدهاء والسياسة للصق أكثره بالشعر القديم في معناه وفي مبناه وفي ذلك إطرأ به من وجه واحد وهو براعته في الصيغة العربية وتحليقه في موسيقا اللفظ وصحة التعبير ورشاقته التصوير وخفة الظل. (الدهان، ۱۹۶۸: ۱۶۲).

زمانی که مقاصد شوم استعمارگران در حمله به سوریه و دمشق بر شاعر آشکار شد در ابیاتی مردم کشورش را به دفاع از وطن و پایداری و مقاومت در مقابل دشمنان چنین تشویق کرد:

<p>واستشهدوا الإنجيل والقرآنا إن الحقيقة لا تود بيانا وإذا جبت فلست من عدنانا</p>	<p>وضح اليقين فأقسموا الإيمان ضاق البيان فلا خيال الشاعر إن كنت من عدنان فاسلك نهجه</p>
---	---

(همان: ۵۱)

۲.۳. جلوه‌های میهن‌دوستی در اشعار احمد شوقی

الف- تأکید بر اتحاد ملی و منطقه‌ای

شوقی یک مصلح اجتماعی و یک سیاستمدار وحدت‌گراست. او آنچنان دل‌بسته‌ی وطن خویش است که در برابر هر عامل داخلی و خارجی که بخواهد استقلال، امنیت، و آزادی کشورش را به خطر افکند، آشکارا به مقابله برمی‌خیزد. او از مردم کشورش می‌خواهد که دوران تفرقه و دوری از یکدیگر را به کنار نهند و می‌گوید مگر مصر زادگاه زادبوم و پس از مرگ، مکان دفن همه ما نیست؟ پس به خاطر همین نقطه اشتراک باید چنددستگی و تفرقه را کنار بگذاریم.

تعالوا عسی نطوی الجفاء و عهده،
و تنب أسباب الشقاق نواحیا
ألمتک مصر مهندنا ثم لحدنا،
و پینهما کانت لکل غانیا

(شوقی، بی تا: ۴/ ۳۲۶)

او از بیان مستقیم مسائل اجتماعی گام را فراتر نهاده و سمبل‌ها را در شعر خود وارد می‌کند و در قالب داستان‌هایی که حیوانات قهرمانان آن را تشکیل می‌دهند، به صورت نمادین به آموزش برخی اصول مربوط به سیاست و کشورداری می‌پردازد. یکی از این اصول بنیادین حفظ وحدت و انتخاب عاقل‌ترین افراد برای رهبری است. شوقی داستانی با این مضمون دارد که این‌گونه آغاز می‌شود: «گروهی از خرگوش - ها در جایی به خوبی و خرمی زندگی می‌کردند تا این که، فیلی قوی و تنومند از میان لانه‌های آنها شروع به رفت و آمد کرد و باعث دردسر و نگرانی ایشان شد. اوضاع روز به روز بدتر می‌شد. سرانجام، یکی از خرگوش‌ها، که از همه باتجربه‌تر و داناتر بود، گروه خرگوش‌ها را دور هم جمع کرد و از آنها خواست علیه این دشمن مشترک متحد شوند. آن‌ها از بین خود سه نفر را برگزیدند و با کمک این سه تن توانستند بر مشکلات و آن فیل ظالم پیروز شوند.

نادی بهم: یا معشر الأرناب
إتحدوا ضد العدو الجافی،
من عالم، و شاعر، و کاتب
فأقبلوا مستوصیین رایه
و عقدوا للاجتماع رایه

(همان: ۴/ ۱۵۵-۱۵۶)

در نتیجه این اقدامات و انتخاب صحیح رهبران و حفظ وحدت، جامعه خرگوش‌ها، که در واقع سمبلی برای اجتماع انسانی است، به امنیت و آسایش دست یافت:

و هلك الفیل الرفیع الشان،
فأمست الأم فی أمان

(همان: ۴/ ۱۵۷)

در مجموع، شوقی مسأله‌ی اتحاد ملی را یکی از مهمترین رموز موفقیت هر جامعه‌ای می‌داند و مخاطبان خود را به حفظ و وحدت و انسجام تشویق می‌کند. احمد شوقی با جانبداری از امپراطوری عثمانی، همواره جهان اسلام اعم از ترک و عرب و ... را به وحدت و یکپارچگی تحت لوای این امپراطوری فرا می‌خواند. مثلاً هنگام اعلام قانون اساسی از سوی سلطان عبدالحمید، جهان اسلام را به اتحاد دعوت می‌کند و می‌گوید:

أَسَدِي إِلَيْنَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَدَا
يَاشَعْبَ عَثْمَانَ مِنْ تَرْكٍ وَ مِنْ عَرَبٍ
جَلَّتْ كَمَا جَ فِي الْأَمْلَاكِ
حِيَاكُ مِنْ يَبْعَثُ الْمَوْتِي وَ يَحْيِيهَا

(شوقی، بی‌تا: ۱ / ۲۶۱)

در اشعار دیگر نیز او تنها شاعر مصر نیست، بلکه شاعر قوم عرب است. او مردم سوریه، سودان، لیبی، و دیگر کشورهای عربی را همسایگانی می‌داند که به دور از هرگونه تعصبی، با مصر تاریخ و هدف و زبان مشترک دارند. (الحمصی، ۱۹۷۹: ۶۷۶).

از این رو، در سفری که به دمشق داشته است خطاب به مردم آن سرزمین این‌گونه می‌سراید:

و نحن في الشرق و الفصحى بنو رحيم
ونحن في الجرح والالام إخوان

(همان: ۲ / ۳۸۵)

بنابراین تمایل به همگرایی با دیگر کشورهای اسلامی در شعر هر دو شاعر نمود دارد، با این تفاوت که زرکلی بدون تعیین خط مشی، همه کشورهای اسلامی را در این اتحاد هم مرتبه و یکسان می‌داند، حال آن که شوقی دیگر کشورها را به اتحاد در سایه آمپر طوری عثمانی فرا می‌خواند.

ب- مبارزه با ظلم و استعمار و هشدار به ستمگران

احمد شوقی که در جامعه‌ی خود، طعم تلخ بی‌عدالتی و استبداد را چشیده و از جور و ستم استعمارگران به تنگ آمده، در سروده‌های خویش به ترسیم چهره‌ی واقعی حاکمان می‌پردازد. او پس از بازگشت از تبعید، با مردم در انقلاب ملی مصر و فراتر از آن، اندیشه‌های آزادی‌خواهانه‌ی جهان عرب همگام شده و با اشعار خود، انقلاب‌ها و قیام‌های مردمی را همراهی می‌کند. (ضیف، بی‌تا:

۳۸- ۳۷)

شوقی تاریخ را ورق می‌زند. صفحات عبرت آموز آن را در معرض دید خوانندگان قرار می‌دهد تا با تأمل در آن، ناپایدار بودن دنیا را درک کنند و از زشتی‌ها و کژی‌ها و حق‌کشی و ستم دست بردارند، به همین دلیل می‌گوید: قیصرها کجایند و شب‌های پرچنگ و طرب کجاست؟ ناپلئون به کجا رفت و غارت-های او چه شد؟ وادی طلع به چه سرنوشتی دچار شد و عروسک‌های آن که دامن‌کشان در مشک می‌خرامیدند، کجا رفتند؟

شوقی با درک شرایط استبداد در حالی که نیک می‌داند جوانان از شنیدن پند و اندرز دلتنگ و بی‌حوصله می‌شوند، با لحنی پدراانه به فرزندان میهنش می‌گوید: شما در روزگار سختی به دنیا آمدید.

زیر ضربات سهمگین باد و باران حوادث بالیدید و نتایج حاصل از ایجاد شکاف میان مردمان و ظلم بسیاری از استبدادگران و ظالمان را شاهد بودید. توصیف زیبای شوقی در این زمینه کم‌نظیر است: «صدای ملت‌ها در نتیجه‌ی اتحاد است که همچون غرش شیر به گوش می‌رسد و اگر همین ملت یکپارچگی خود را در برابر استبداد از دست بدهند، صدایشان همچون زوزه‌ی سگان خواهد بود:

قل للبنین مقال صدق، واقتصد	درع الشبّاب یضیق بالتضاح
أنتم بنو الیوم العصب، نشأتم	فی قصف أنواء، و عصف ریاح
و رأیتم الوطن المؤلف صخرة	فی الحادثات وسیلها المجتاح
و شهدهته صدع الصفوف، وما جنی	من أمر فتات، و نهی وقاح
صوت الشعوب من الزئیر مجمعة	فیذا تفرق کان بعض باح

(شوقی، بی تا: ۲/ ۳۵۶)

شوقی در قصیده‌ی «الحریة الحثراء» با یادآوری انقلاب ملت در اعتراض به استبداد حاکم و تبعید سعد زغلول، خون شهیدان این قیام را به ریخته شدن خون امام حسین (ع) در روز عاشورا تشبیه می‌کند و می‌گوید:

فی مهرجان الحق أو یوم الدم	هج من الشهداء لم تتکلم
یبدو علی هاتور نوژ دمائها	کدم الحسین علی هلال محرم

(همان: ۳۶۱)

شعر شوقی، شعری هدفمند و جهت‌دار است. او در جای‌جای شعرش به دنبال آگاهی دادن به مخاطب است و با مرور تاریخ گذشته‌ی مصر و سرگذشت شخصیت‌های بزرگ و مفاخر گوناگون سرزمینش مخاطبان را اندرز داده و به عبرت‌آموزی از گذر روزگار و سرنوشت پادشاهان و حکومت‌ها فرا می‌خواند. او به خواننده یادآور می‌شود که حتی فرعون‌های مصر هم، که پیغامبرانی چون حضرت عیسی (ع) و یوسف (ع) و موسی (ع) در دولت ایشان می‌زیستند، روزی گرفتار مرگ محتوم شدند. در حالیکه ایشان ساده‌لوحانه برای زندگی دنیا، که آن را جاویدان می‌انگاشتند، می‌کوشیدند، مرگ نیز برای ویران کردن ساخته‌های آنها در تلاش بود.

ج - ستایش وطن

شوقی عشق به وطن را همواره در سر می‌پروراند و معتقد است که دلپذیرترین عناصر هستی و حتی بهشت برین نیز نمی‌تواند او را از عشق به وطن باز دارد:

وَطَنی لو شُغلتُ بالخُلدِ عنه	نازعتنی إلیه فی الخُلدِ نفسی
-------------------------------	------------------------------

(همان: ۶۱۸)

«اگر خلدبرین مرا از یاد وطن بازدارد و در بهشت باشم باز اعماق وجودم مرا به یاد وطن می‌اندازد». او به خاطر علاقه‌ی قلبی به مردم سرزمینش غفلت‌های ایشان را پیوسته گوشزد می‌کند و از هم-میهنان خود می‌پرسد: تاچه زمانی می‌خواهید به مردگان و نسل‌های پیش از خود ببالید؟ هنگام آن فرا رسیده است که بگوییم: ما [این کار را انجام داده‌ایم] و دیگر فرزندان ما نیز نگویند: ما در گذشته چنین بودیم، بلکه بگویند: ما در زمان خودمان به موفقیت‌های بزرگی نائل آمدیم. حس وطن‌خواهی بر جای‌جای اشعار شوقی سایه افکنده است. او فرزند انقلاب آزادی‌بخشی است که استیفای حقوق انسانی شهروندان دستاورد اصلی آن شناخته می‌شود و شاعری است که نسبت به تعهد اجتماعی خود همواره بیدار و فعال بوده است.

د- آزادی‌خواهی در شعر احمد شوقی

احمد شوقی از این‌که می‌بیند سرزمین مصر در چنگال استبداد و استعمار گرفتار شده است، آرزوی آزادی را در سر می‌پرورد و عشق به وطن چنان در اعماق وجود او ریشه دوانده است که جان خود را به خطر انداخته و با صدایی رسا، آزادی را در شعر خویش فریاد می‌زند. شوقی در زمان پیروزی انقلاب مصر در تبعید به سر می‌برد. او در قصیده «الحریه الحمراء» یا «آزادی سرخ» آرزو می‌کند ای کاش در آنجا بود و این نسل را با قصیده‌های خود می‌ستود. او با یاد خون شهدا آن را به خون امام حسین (ع) تشبیه می‌کند و می‌گوید در زندگی عروسی و ماتم کنار یکدیگر قرار دارند و آزادی سرخ هم نیازمند آرامشی است که زخم‌ها را فراموش کند و به لبخندی احتیاج دارد که بر لبان مادران فرزند از دست داده و زنان شوی از کف داده بنشینند:

فی مهر جان الحق او یوم الدم	مهرج من الشهداء لم تتکلم
یبو علی هاتور نور دمائها	کدام الحسین علی هلال محرم
و اذا نظرت الی الحیاء وجدتها	عُرسا اقیم علی جوانب مأتَم
لابد للحریه الحمراء من	سلوی تُرَقِّد جرحها کالبلسم
و تبسّم یحلّو اسرّتها کما	یعلو فم الثکلی و ثغر الایم
یوم البطولۃ لو شهدتُ نهاره	لنظمت الاجیال ما لم یُنظَم

(همان: ۴۱۶)

شوقی آزادی را لباس زیبایی مبارزه می‌داند که با رنگ خون زینت گرفته است.

ه- مبارزه با فقر

نگاه شوقی به مسئله فقر بسیار جدی و واقع‌بینانه است. او این حقیقت را با کیاست دریافته که باید خطر پیری و نداری را که در کمین هر انسانی و به ویژه قشر فقیر جامعه است، به ایشان یادآور شده و راه‌های پیشگیری و مقابله با آن را به ایشان آموخت از همین روی در سخنرانی‌ای که در نشست کارگران داشته، ضمن تشویق به کار و کوشش به ایشان یادآور می‌شود که روزگار پیری و ناتوانی در انتظار

آن‌هاست. روزی که دست‌ها دچار رعشه و لرزش می‌شوند و قدرت کار کردن را از آدمی می‌گیرند. به همین خاطر باید برای پیری و روزگار سختی و ناتوانی و بیماری، پولی جمع کنند تا بتوانند از عهده‌ی اداره‌ی زندگی خویش برآمده و اجازه ندهند شیخ شوم فقر بر روزگارشان سایه افکند:

یَرْعَشُ مِنَ الصَّنَاعِ خَابَا	ترعشُ الأیدی، ومن
یَجْعَلُ لِلدَّهْرِ حَسَابَا	إنّما العاقلُ مَنْ
فِیهِ تَبْکُونُ الشَّبَابَا	فاذکروا یومَ مَشیبِ
حِینَ تَعْلَوُ، وَ عَذَابَا	إِنَّ لِلسَّنِّ لَهَمَّأً،
لِلشَّیْبِ وَالضَّفِّ نَصَابَا	فاجعلوا من مالکم
الدَّاءِ إِذَا مَا السَّقْمُ نَابَا	وأذکروا فی الصَّحَّةِ
فِیهِ تَلْقَوْنَ اغْتِصَابَا	واجمعوا المالَ لیومِ

(همان، ج ۱: ۴۳۴)

شاعر مصری نیز با وجود زندگی مرفه و درباری خود روحی لطیف و حساس دارد. روحی که یارای دیدن ناتوانی فقیران و درماندگی گرسنگان را ندارد. به همین خاطر به تسلا‌ی ایشان برخاسته و به آن‌ها امید می‌دهد که دنیا همواره بر یک حال باقی نمی‌ماند. دنیا آمیخته‌ای از اضداد است: غم و اندوه با هم آمیخته‌اند. اندوه و اشک نیز تنها از آن فقیران نیست، حوادث اندوهبار روزگار که اشک و ناله را به دنبال دارند، هم در کوخ‌ها و ویرانه‌ها وجود دارند و هم در کاخ‌ها و قصرها خود را نمایان می‌سازند:

دَمْعُ القَرَبِیرِ وَ عَبْرَةُ المُلْتَمَعِ	ما هکذا الدنیا، ولكن نُقلَةً
غَیْرَ الحَیَاةِ لِهِنَّ حُکْمُ مَشَاعِ	لا الفقرُ بالعَبْرَاتِ حُصٌّ، و لا الغنی
منها، و فی القَصْرِ الرفیعِ دَواعِ	ما زالَ فی الکوخِ الوضیعِ بَواعِثٌ

(دیوان ج ۳، ص: ۲۲۸)

نتیجه

۱. نکات اشتراک

- خیرالدین زرکلی و احمد شوقی هر دو شاعرانی ملی‌گرا و میهن‌پرست هستند که شعر خود را رسانه‌ای برای بیان احساسات میهن‌پرستانه و استعمارستیزانه‌ی خویش قرار داداند.
- اشعار این دو شاعر نقش مهمی در برانگیختن احساسات ملی‌گرایانه‌ی مردم داشت و تأثیر آن به گونه‌ای بود که خشم و ناراحتی استعمارگران را در پی داشت.
- زبان شعر آنها همان زبان مردم کوچه و بازار است و چون احساسات آنها از دل برآمده، لاجرم اشعارشان بر دل مردم نشست و این اشعار، نقش مهمی در تهییج مردم برای مبارزه با ظلم و ستم داشته است.

- زرکلی و شوقی تنها در پی آفرینش زیبایی‌های ادبی نیستند، بلکه تجربیات شخصی و اجتماعی خود را به صورت راهکارهایی جهان شمول در اختیار مخاطب خود قرار می‌دهند. فقر، جنگ و فقدان آزادی بیان از مواردی هستند که این دو شاعر با آن‌ها زندگی کرده‌اند؛ از همین روی طرح مسئله از جانب آنها با شناخت و درک کامل شرایط صورت می‌گیرد.

- زرکلی و شوقی هرگز مانند شاعران رمانتیسیم، غرق در احساسات فردی نشده و بُعد اجتماعی و سیاسی اشعارشان بسیار پر رنگ‌تر از اشعار عاشقانه و عاطفی آنهاست و حتی زمانی که این دو شاعر سعی در توصیف عناصر طبیعت دارند، باز این توصیفات رنگ و بوی سیاسی و اجتماعی به خود می‌گیرد و گویی شاعران عناصر طبیعت را همدل و هم‌زبانی وفادار برای بیان دردها و رنج‌های خود می‌دانند.

- معشوق اصلی اشعار زرکلی، سوریه و معشوق شعر شوقی، مصر است و آنها تا پای جان ایستاده‌اند تا میهنشان از شر استعمار و ظلم و فقر و جهل رهایی یابد و هم‌میهنانشان به آنچه که شایستگی‌اش را دارند، برسند.

- هر دو شاعر، راه رهایی از چنگال استعمار را اتحاد ملی و منطقه‌ای می‌دانند.

۲. تفاوت‌ها

- تنوع موضوعات مرتبط با میهن‌دوستی در اشعار زرکلی بیشتر از اشعار شوقی است و دلیل آن، توجه بیشتر زرکلی به مسائل سیاسی و سرنوشت میهنش سوریه است.

- زرکلی به موضوع غم غربت و رنج دوری از میهن اشاره کرده و دلیل آن می‌تواند تبعید چندین ساله و دوری شاعر از میهن مادری باشد؛ در مقابل، شوقی کمتر به غم غربت و رنج دوری از میهن اشاره کرده است.

- زرکلی کل دوران زندگی خویش را وقف میهن‌دوستی و احساسات ملی‌گرایانه کرده است اما شوقی در برخی مراحل زندگی‌اش هرگز دغدغه میهن و وضعیت سیاسی و اجتماعی آن را نداشته است.

- زرکلی در اشعار خود بارها به موضوع مظلومیت مردم فلسطین اشاره کرده اما شوقی این موضوع را مورد توجه قرار نداده است.

- شوقی بیش از زرکلی به موضوع فقر و عواقب آن توجه داشته است.

منابع

- آل جندی، ادهم، (۱۹۵۴م). اعلام الادب والفن، دمشق: التکيه السليمانية.
- اسلامی، اسماعیل، کرد، صفی الله. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی بیداری اسلامی در اشعار اقبال لاهوری و عبدالله البردونی. فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی. 274-261, 13(52),
- الحمصی، نعیم (۱۹۷۹). الرائد فی الأدب العربی، دمشق: دار المأمون للتراث.
- امین مقدسی، دکتر ابوالحسن، (۱۳۸۶). ادبیات تطبیقی، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- بهروز، اکبر، (۱۳۵۹ش). تاریخ ادبیات عرب، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

- پروینی، خلیل، (۱۳۷۳). وطنی‌ات احمد شوقی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: فیروز حریرچی فیروز.
- جمیل قنبس، (۲۰۱۱م). اکرم، خیرالدین زرکلی شاعر الوطن، دمشق: دارالعلم.
- دقاق، عمر، (۱۹۸۹م). خیرالدین علم الاعلام، علم الاعلام، بیروت: دارالعلم للملایین.
- دهان، سامی، (۱۹۶۸م). الشعرا الاعلام فی سوریه، بیروت، نشرالضیف.
- رمضان، یوسف، (۱۹۹۵م). تتمه اعلام، بیروت: دار ابن حزم.
- زرکلی، خیرالدین، (۱۹۷۷م). شبه الجزیره فی عهد الملك عبدالعزيز، بیروت: موسسه الرساله.
- _____ (۱۹۸۰م). دیوان؛ به کوشش سلیم زرکلی، بیروت: موسسه الرساله.
- _____ (۱۹۸۴م). الوجیز فی سیره الملك عبدالعزيز، بیروت: دارالعلم للملایین.
- _____ (۱۹۹۰م). الاعلام، مقدمه، بیروت: دارالعلم للملایین.
- _____ (بی‌تا). عامان فی عمان، دمشق: مطبعه مجله صوت سوریه.
- شوقی، احمد، (بی‌تا). دیوان (الشوقیات)، بیروت: دارالجلیل.
- صبری، شفیق، (۱۹۸۷م). خیرالدین زرکلی حامل لواء الشعر العربی، علم الاعلام، دمشق: مکاتب.
- ضیف، شوقی، (بی‌تا). الفن و مذاهبه فی النثر العربی، قاهره: ناصریه.
- طلاس، مصطفی، (۱۹۸۵م). علم الاعلام، بیروت: نشرالجواهر.
- عطار، انور، (۱۹۸۹م). علاونه، ذیل الاعلام؛ خیرالدین زرکلی، علم الاعلام، دمشق: مکاتب.
- فریاطی، دائر، (بی‌تا). مع العلامه زرکلی فی کتابه الاعلام، ریاض: دارالکتاب.
- کیالی، سامی، (بی‌تا). الادب العربی المعاصر فی سوریه، دمشق: مرسول.
- محمود محمد، طناحی، (۱۹۸۵م). الموجز، قاهره: نشر النور.
- موسی‌آبادی، رضا؛ فخراسلام، بثول، (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی مبانی ناسیونالیسم در شعر احمد شوقی و سید اشرف الدین حسینی، جستارنامه‌ی ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۳، صص ۵۱-۳۷.

ارجاع: فجرى فاطمه، فاتحی نژاد عنایت الله، بررسی تطبیقی جلوه‌های میهن‌دوستی در سروده‌های خیرالدین زرکلی و احمد شوقی، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۶۱، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۸۹-۱۰۵.